

۲۰۱۱/۰۴/۰۴

داؤد موسی

## رخصتی روز پنجشنبه

چاپ نشریه ۷ حمل ۱۳۹۰ روزنامه اراده

درین چند ماهی که آقای کرزی با صدور فرمانی، روز پنجشنبه را در کنار جمعه، به منظور تقلیل کثافت هوا، روز تعطیل آخر هفته قرار داده است، من اتفاقاً هر پنجشنبه حسب ضرورت از خانه بر آمده و در بازارها چکر زده ام. قرار چشم دید من، علی الرغم مدعیات نقیض مقامات، هیچگونه تفاوتی در ازدحام و تعداد عرارجات روی جاده ها، و یا در صافی هوا دیده نمی شود. بلکه ازدحام در جاده های میان شهر و چهار راهی های عمده کماکان دوام دارد. اما طبعاً سخن اخیر از آن اهل فنست.

افواه هست که مقامات حکومتی این اقدام را بعد از گرفتن مشوره از جمعیت علمای افغانستان به منصفه عمل گذاشته، و اخیرالذکر نیز به دلیل اینکه روز شنبه روز تعطیل یهودانست، تعطیل روز پنجشنبه را توصیه نمود. اگر واقعیت همین باشد، لازمست به عرض خوانندگان برسانم که قرار عقائد اسلامی ما، ادیان حضرات داؤد، موسی و عیسی علیهم السلام در کل منسوخ بوده اما وقتی به جزئیات عقائد این ادیان مراجعه کنیم، در خواهیم یافت که عقائد اسلامی ما نمایانگر تردید همه جزئیات شان نبوده، بلکه در بعض جاها دوام و تأیید برخی از آنها (ولو که از طریق پیروان ادیان شرکیه هم بما رسیده باشد) صورت گرفته است. در پایین، ما به ذکر عده ای از عقائد دین یهود که در دین اسلام کماکان مورد احترام ما میباشد، می پردازیم:

در صدر این لیست، نام پروردگار کائنات یا الله (ج) قرار دارد. یهودیان ایرانی و عرب تا امروز هم نام مرکب با اسم الله (ج) را، از قبیل عبدالله، عصمت الله، روح الله و غیره بر اولاد خود میگذارند. در کتب احادیث و سیره نبوی (ص) آمده است که در سال سیزدهم بعثت وقتی مشرکان قریش به قصد جان پیامبر اسلام (ص) آنحضرت را تا شهر طائف تعقیب نمودند. در اثناء تعقیب شان، آنحضرت به باغ انگوری پناه برده و صاحب باغ به غلام حبشی خود که عیسوی بود گفت تا برای شان انگور بیاورد. پیغمبر حسب عادت، خوردن انگور را با ذکر آیه بسم الله الرحمن الرحیم آغاز نمودند. غلام حبشی از جناب شان پرسید که آیا او عیسوی میباشد؟ آنحضرت با دادن جواب منفی پرسیدند که چرا چنین پرسشی را از او کرده است. آن مرد جواب داد که آنها نیز خوردن غذا را با ذکر نام الله شروع میکنند. حتی اسم الله (ج) که اسم ذات خداوند میباشد، در بین مشرکین بت پرست عربستان نیز مروج بوده چنانچه نه تنها نام پدر رسول خدا (ص) عبدالله بود، بلکه همگی اعلام عربی که از صدر اسلام بما مانده است، در اعراب عصر جاهلیت نیز مروج بوده است. بعضی از علمای دین به این عقیده اند که از صفات نود و نه گانه خداوند (ج) که به اسماءالحسنی شهرت دارند، نام «الرحمن» نیز اسم ذات میباشد. وقتی پیامبر اسلام بار اول این اسم را به ذات خداوند نسبت داد، یهودان مستهزانه اعتراض کردند که این اسم مأخوذ از کتاب تورات میباشد. پیغمبر(ص) در جواب شان گفتند که در صورتیکه دین اسلام به تعقیب و به منظور تکمیل ادیان آسمانی دیگر آمده باشد، چرا این نام هم با آنچه که در تورات آمده است اختلافی داشته باشد؟

همچنانست پرنسیپ وحدانیت خداوند (ج) که مورد اعتقاد و احترام هر چهار دین سماوی میباشد (۱). خانه کعبه که به عقیده ما بنیان گذار آن هوا دار پیشین یکی پرستی و وحدانیت خداوندی یعنی حضرت ابراهیم خلیل الله بوده، در نزد مشرکان دوران جاهلیت نیز اهمیت و قدسیت آن (بشمول حجر الاسود) کاسته نشد. منتهی مشرکان قریش داخل بیت الله را با بت های گوناگون خود "تزیین" نموده بودند. رسم طواف خانه کعبه و رسم صفا و مروه که به آیه مبارکه (۱۸۵ سوره البقر) از شعائر الله میباشد، اصلاً از داستان های تورات ناشی و حتی در میان مشرکان جاهلیت وجود داشته و پیغمبر خداج (ص) آنها را منع قرار نداد.

اگرچه قرار عقاید اسلامی متن احسن الحدیث قرآنی مأخوذ از لوح محفوظ و ازلی بوده، پس قادم بر همه متون دیگر است. اما در عالم اسباب تسلسل نزول کتب و صحائف آسمانی دیگر بر متن قرآنی قادم می باشند. لهذا میتوان گفت

دپانو شمیره: له ۱ تر 3

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادښت: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولی

که اعلام (۲) و بعضی از صفات اسماء الحسنی نیز قبلاً در کتب دیگر ظهور نموده اند. مخصوصاً نامهای پیامبران سلف از آدم، الیاس، ابراهیم و اسماعیل و شعیب و نوح تا هارون، یعقوب، یوسف، یونس و ادریس و غیر هم. (۳).

آنچه که در مبحث روی دست به موضوع رخصتی اخیر هفته ارتباط فراتر میگیرد این واقعیت است که در زمان حیات پیامبر (ص) و صدر اسلام موضوع رخصتی اصلاً مروج نبوده است. تنها موضوعیکه باز هم بران دین اسلام و یهود اتفاق نظر دارند، خلقت کائنات در ظرف شش روزست که قرآن کریم آنرا شش بار تکراراً ذکر نموده است. در بند اول باب دوم سفر تکوین(۴) کتاب تورات گفته شده که "... و در روز هفتم خدا از همه کار خود که ساخته بود، فارغ شد و در روز هفتم از همه کار خود که ساخته بود آرام گرفت. پس خدا روز هفتم را مبارک خوانده و آنرا تقدیس نمود زیرا که در آنروز آرام گرفت. "چنین پنداری را علمای الهیات Anthropomorphism (۵) خوانده اند. اما قرآن کریم این موضوع را به صراحت نفی نموده میفرماید: "و لقد خلقنا السماوات و الارض و ما بینهما فی سته ایام و ما مسنا من لغوب" (۶). یعنی ما آسمانها و زمین را و آنچه در بین آنهاست در شش روز خلق نمودم و [ازین عمل] احساس ماندگی نکردیم. "تنها چیزی که از نگاه قرآنی روز جمعه را از روزهای دیگر هفته مجزا میسازد اینست که تجارت و بیع و شرا در وقت نماز جمعه منع گردیده است (۷). اما اطلاق این امر بهی خواهانه خداوندی تنها برای مدت بین آذان نماز جمعه تا ختم نمازست و نه قبل و یا بعد از آن.

از زمره داستانهای متعددی که در قرآن مجید ذکر گردیده، سیزده تای آن با روایات توراتی شباهت دارد (از قبیل طوفان نوح، داستان قربانی حضرت اسمعیل، داستان حضرت یونس، لوط و غیره). تنها سه تای آن با روایات انجیل مشابهت اندک و بسیاری دارد. احکام دین اسلام و دین یهود هر دو همه جوانب حیات دنیوی و اخروی پیروان خود را احتواء می نمایند، در حالیکه دین عیسوی روی مسائل دنیوی آنقدر ها نمی پیچد.

بصورت خلاصه پرنسیپ های ذیل در دین یهود با دین اسلام تبیین دارد: پنج بار عبادت در روز از روی حرکت آفتاب، ستر سر زنان، ختنه مردان (۸)، گذاشتن ریش (۹)، روی به قبله آوردن هنگام عبادت، حساب اجدد، تقویم قمری، وجود رابطه مستقیم بین خداوند و انسان، عدم ضرورت به وجود زن در عبادتگاه ها، قربانی حیوانات اهلی، انحصار حق طلاق به مردان در حالیکه خود عمل طلاق مذموم شمرده شده است، پرنسیب حق الله و حق العبد، آمدن مهدی آخرالزمان، عقیده به قضاء و قدر، حق خدا و حق همسایه، مخالفت شدید با خودکشی، هم عقیدگی در مورد ربیح، بردگی و تعدد زوجات، تحریم خوردن گوشت خوک و وجود بعض قیود بر خوردن گوشت اسب و بعض حیوانات بحری، عمل ذبح و منع خوردن خون. سؤال اصلی درین جاست که ما کدام یکی ازین عقاید خود را نیز به علت تشابه آنها با عقائد و رسوم یهودی ترک گفته می توانیم؟ چنین تشابهات نه تنها در کلیات، بلکه در جزئیات عقائد دو دین نیز بوضاحت به نظر می خورد که یکی از آنها موضوع الست بر بکم می باشد (۱۰).

گفته اند :

**"عیب می جمله چو بگفتی، هنرش نیز بگو."**

تجربه دنیای خارج شاهد است که یک روز بیشتر رخصتی در هفته موثر داران و فامیل هایشان را تشویق مینماید تا برای خرید از خانه برون بروند که این امر باعث رشد تجارت و کاریابی گردیده و در حین حال موجب آلودگی هوا نیز می شود. اما از جانب دیگر، این تصمیم جدید حکومت که باعث تقلیل پنج ساعت کار در هفته برای مأمورین دولتی گردید، در واقع (و بصورت مجازی) معاش فی ساعت شانرا ۱۷ فیصد بالا برد. اما بر معاشات اهل کسبه تأثیری نینداخت. مهم ترین نکته این که تصمیم فوق حکومت به اقتصاد کشور ما لطمه بزرگی وارد نموده است و آن ناشی ازین که در دنیای خارج (حتی اکثر ممالک اسلامی مثل پاکستان، مراکش، اندونیزیا، لبنان و غیره) تعطیل آخر هفته بروز های شنبه و یکشنبه یعنی به دوام تعطیلات روز پنجشنبه و جمعه ما می باشد. پس تصمیم فوق در واقع ارتباط دولتی، تجارتی و بانکی ما را برای چهار روز با جهان خارج قطع نموده و سه روز کاری را در هفته برای ما میگذارد. عاقبت بخیر و الله یاور.

(۱) کنستانتین امپراتور روم شرقی وقتی در قرن چهارم میلادی به اتحاد هر دو امپراتوری روم شرقی و غربی نائل آمد، در سال ۳۲۵ میلادی شورای بزرگی را که مشتمل بر دو صد و پنجا نفر از بزرگان کلیسا بود در شهر نیقیآ (جوار استانبول)

منعقد نموده و عقیده Homoousium یا هم جوهری بر ایشان تحمیل نمود. بدین معنی که گویا خدای پسر (حضرت مسیح) با خدای پدر از یک جوهر بوده و هم عمرند. این عقیده را کشیشان اسکندریه به سرکردگی Nestorius نه پذیرفتند. چه آنها معتقد بودند که حضرت مسیح تنها پیامبر خداوند (ج) بوده و نه پسر او. کنستانتین متعاقباً این گروه را از مصر نیز متواری ساخته و ایشان عقیده توحید را درس تا سرشرق میانه تا سرحدات چین با خود بردند. چنانچه مارکو پولو جهان گرد ایتالیایی در خاطرات خود از وجود اقوامی بر سر راه ذکر نموده که خود را عیسوی می گفتند اما به خدایی حضرت مسیح معتقد نبودند. بسیار امکان دارد دین عیسوی که در صدر اسلام در شبه جزیره عرب رائج بوده نیز از همین گروه نستوری بوده باشد که بزعم مسلمانان آن زمان مؤحد شمرده می شدند. اما نه مسیحیان امروزی که گرویده به به عقیده تثلیث (سه خدایی) می باشند.

(۲) اسم علم به اسمی یا صفتی می گویند که بر انسان اطلاق می گردد. مثل احمد، وزیر، ملنگ، زندیق، برهن و غیره.

(۳) یهود نیز به این عقیده اند که متن تورات ازلی میباشد.

(۴) سفر به کسر سین و سکون (ف) و (ر) که جمع آن اسفارست، به هر یکی از کتب پنجگانه تورات میگویند.

(۵) انتروپومورفیزم که آن را ایرانیان به "انسان شکلی گرایی" ترجمه کرده اند، عبارت از دادن نسبت خواص انسانی به غیر انسان می باشد. درین جا نسبت دادن خاصیت ماندگی به خداوند (ج) یک پندار انتروپومورفیک می باشد.

(۶) آیه ۳۸ سوره (ق).

(۷) آیه ۹ سوره (الجمعه).

(۸) "ختنه مردان" بدان جهت نوشته شده که رسم سخیف ختنه زنان هنوز هم در میان بعضی از مسلمانان آسیای جنوب غربی و افریقای غربی وجود دارد.

(۹) در عربستان عهد جاهلیت، رسم گذاشتن ریش در میان تمام اقوام و ادیان از مسلم و یهود تا ستاره پرست، عیسوی، زردشتی و بت پرست وجود داشت. پس می توان گفت که نتراشیدن ریش رسم مشترک همگی پیروان این ادیان بوده است. اگرچه در مورد تراشیدن بروت بعض روایات دیگری وجود دارد.

(۱۰) پرنسپپ مذکور روی این سؤال بناء گردیده که اگر یک شخصی در جنگل افریقا به دنیا آمده و تا اخیر عمر نه از عالم بیرون اطلاعی داشته باشد و نه از دین خجسته اسلام خبری بگوشش رسیده باشد (یعنی ملحد، کافر یا مشرک به دنیا آمده و همان طور از جهان برود)، آیا بروز قیامت، این شخص به کدام دلیل مستحق مجازات میگردد؟ تصریح جواب در آیه ۱۷۲ سوره الاعراف قرآن مجید صورت گرفته و آن این که خداوند (ج) بعد از خلقت انس و جن از ایشان پرسیده که (الست بریکم؟) یعنی آیا نیستم پروردگار شما؟ و آنها جواب دادند که "بلی". پس چون همه ما بروز ازل چنین میثاقی را با خدای خود بسته ایم، واضحست که عدول از آن موجب مجازات اخروی میگردد. عین همین پندار در عقائد یهود نیز وجود دارد.

پایان